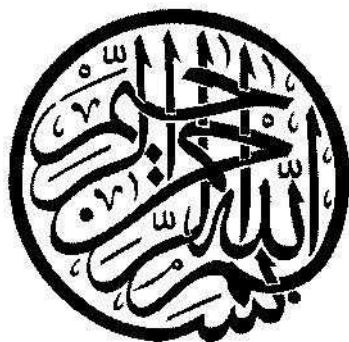




پیمان وجدانی کیا

گیلگ میش

(فرمانروای سومریان و اکد)

ویراستار: معصومه سید
(کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب)



انتشارات آشنایی

سرشناسه: وجدانی‌کیا، پیمان، ۱۳۶۵ -
 عنوان: گیلگمش (فرمانروای سومریان و اکد) / پیمان وجدانی‌کیا
 ویراستار: معصومه سید
 مشخصات نشر: تهران: آشنایی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۶.
 شابک: ۵۰ - ۰ - ۶۹۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۶.
 موضوع: گیلگمش - نقد و تفسیر
 موضوع: اساطیر آشوری و بابلی
 شناسه افزوده: سید، معصومه، ویراستار
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۱۳۹۳/۴۹۷۷/PJ
 رده‌بندی دیویی: ۸۹۲/۱
 شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۴۹۵۵۲۳



انتشارات آشنایی

- نام کتاب: گیلگمش (فرمانروای سومریان و اکد)
- پدیدآور (مؤلف): پیمان وجدانی‌کیا
- ویراستار: معصومه سید
- حروف‌نگار: زهرا کشاورز باقری
- ناشر: انتشارات آشنایی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
- تصویرگر: الهام محمّدپور
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۸۵۰۰ تومان
- شابک: ۵۰ - ۰ - ۶۹۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

انتشارات آشنایی: تهران - صندوق پستی ۳۳۹۹-۱۵۸۱۵

تلفن مرکز پخش: ۳۳۱۶۸۸۱۹ - ۹۲۸۴ - ۳۷۰۹۱۲

Email: ashenaei_pub@yahoo.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه.....
۱۴	قوم سومریان و اکد.....
۱۶	چشم‌انداز اول (حماسه‌های سومریان و اکد و دین الهی).....
۲۲	توفان اول - حضرت نوح(ع).....
۲۶	چشم‌انداز دوم: ادیان سه گانه سومریان و اکد.....
۳۰	چشم‌انداز سوم: نقل قصه‌ی نبی الله ایوب(ع) (قبل از وقوع از زبان سومریان).....
۳۳	چشم‌انداز چهارم: گریه‌ی سومریان بر دُموزی (و اکنون گریه بر حسین(ع)).....
۵۷	چشم‌انداز پنجم: گیلگمش پسر نانسونا، (مادری گریه‌کنان بر دُموزی).....
۵۹	خطابه‌ی آنکیدو به گیلگمش.....
۷۰	چشم‌انداز ششم: شخصیت گیلگمش (شخصیتی دینی).....
۷۵	چشم‌انداز هفتم: (گیلگمش و یوسف(ع)).....
۸۰	چشم‌انداز هشتم: سفر جاودانگی یا لغزش.....
۸۵	چشم‌انداز نهم: سفر جاودانه‌ی گیلگمش (به سوی جدش حضرت نوح(ع)).....
۹۴	چشم‌انداز دهم (سومریان و حاکمیت خدا).....
۱۰۲	شواهد و مستندات مباحث این کتاب.....
۱۲۷	قصه‌ی یوسف(ع) عبرتی در زمان ظهور مقدس.....
۱۳۲	خاتمه.....
۱۳۴	منابع و مأخذ اصلی.....

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة
والمهدين و سلم تسليماً

مقدمه

امام صادق (ع) محاجه‌ی فرزندش قائم (ع) بر مردم را ذکر نمودند، و فرموده ایشان به آن‌ها:
«...أجيبوا إلى مسألتی، فانی أنبئکم بما نبئتم به و ما لم تنبؤا به. و من كان یقرأ الکتب و الصحف فلیسمع منی، ثم یتدیء بالصحف الّتی أنزلها الله علی آدم و شیث (ع)، و یقول أمة آدم و شیث هبة الله: هذه والله هی الصحف حقاً، ولقد أرانا ما لم نکن نعلمه فیها، و ما کان خفی علینا، و ما کان أسقط منها و بدل و حرف. ثم یقرأ صُحف نوح و صُحف إبراهيم و التوراة و الانجیل و الزبور، فیکول أهل التوراة و الانجیل و الزبور: هذه والله صحف نوح و إبراهيم (ع) حقاً، و ما أسقط منها و بدل و حرف منها هذه و الله التوراة الجامعة و الزبور التام و الانجیل الکامل و إنها أضعاف ما قرأنا منها. ثم یتلو القرآن فیکول المسلمون: هذا و الله القرآن حقاً الذی أنزله الله تعالی علی محمد (ص)...» (مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸۳)

«... دعوت مرا بپذیرید، و پاسخ دهید، که به تحقیق، شما را از آنچه آگاه شده‌اید و به آنچه خبردار نشده‌اید، مطلع خواهیم ساخت. پس به درخواست من پاسخ مثبت دهید، زیرا من در مورد چیزهایی که تاکنون شنیدید و آن چیزهایی که تاکنون نشنیدید، اخباری

دارم. و هر کس که اهل خواندن کتاب‌ها و صحیفه‌های آسمانی است، پس به حرف من گوش فرا دهد. پس از آن ابتدا (قائم) شروع به خواندن آن کتاب آسمانی می‌کند که بر حضرت آدم و شیث نازل شده است و از امت حضرت آدم و شیث می‌گویند: این صحیفه آسمانی به خدا قسم همان کتاب‌های آسمانی است که بر آدم و شیث نازل گردید، البتّه خدا از طریق آن کتاب در مورد بسیاری از چیزها که ما نمی‌دانستیم و بسیاری دیگر از علوم که بر ما پوشیده بود، به ما آگاهی داد. این را که می‌خوانید، اصل آن کتاب‌هاست و هیچ کلمه‌ای از آن کم نشد و از دست نرفت و نیز جابجایی در مطالب آن و تحریف در آن راه نیافت.

سپس شروع می‌کند به قرائت کتاب‌های نوح و ابراهیم و نیز تورات و انجیل و زبور به گونه‌ای که اهل تورات و انجیل و زبور می‌گویند: به خدا قسم به راستی این اصل کتاب‌های حضرت نوح و حضرت ابراهیم است و هیچ کلمه‌ای از آن حذف نشده و نیز تبدیل و تحریف در آن انجام نگرفته است. به خدا قسم! این را که در اختیار دارد، همان تورات است که توسط حضرت موسی جمع آوری گردید و این‌هایی که در دست دارد همان زبور کامل ابراهیم و همان انجیل حضرت عیسی است و این مطلبی را که قرائت کرد، در هر موضوعی چندین برابر آن مطالبی است که ما قرائت می‌کردیم و در اختیار داریم.

سپس شروع به خواندن قرآن می‌کند، که در این جا مسلمانانی که آگاهی به قرآن دارند می‌گویند: به خدا قسم که این عین قرآن

است که می‌خواند، همان قرآنی که خداوند بر حضرت محمد(ص) نازل کرده است و یک حرف از آن کم و یا جابجا نکرده است و هیچ تحریفی در آن ایجاد نکرده است.»

نباید اثبات وجود حجت را تنها موکول به اشاره حکایات قدیم دانست و تنها بر آن تأکید کرد که وهم ساخته و پرداخته شدن پیش آید و چنین تصور شود که اگر آن نقل قول‌های قدیم نبود، لابد حضرت قائم(ع) شناخته نمی‌شد.

لذا حکمت خدا اقتضا کرد، که دعوت کننده‌ی الهی مؤید به آنچه در بین دستان منتظران است بیاید، و ندای ایشان همیشه: «مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ»، (درحالی که مؤید پیش از آن است)، و هر کس براساس کتاب و متن‌هایی که به آنها ایمان دارد؛ پس آنها حتی اگر در معرض تحریف و تغییر و جابجایی به دست علمای بدکار یا دخالت سلطه‌گران ظالم فرض شدند، اما ماندن آنچه برای اقامت حق و حجت بر آنها باشد، کفایت می‌کند، و این امری است که هیچ عاقل و حکیم به آن شک نمی‌کند.

و بر این اساس، امام مهدی(ع) (یمانی موعود، و منجی منتظر)، حجت و برهان صدق دعوت جهانی‌اش بر مسلمانان را با احتجاج به قرآن و سنت، و بر یهودیان با متن‌های اسفار تورات، و بر مسیحیان با متن‌های آمده در آن، اضافه بر آن متن‌های عهد جدید را مطرح ساختند.

اما سؤالی باقی می‌ماند: صحیفه‌های آدم و شیث و نوح و ابراهیم(ع) که به وسیله‌ی آنها بر مردم احتجاج می‌کند، کجا

هستند؟ و آیا توفان او «توفان نوح(ع)» اثری از آن‌ها را بر جای گذاشت؟

سپس شکی در آن نیست که شناخت آنچه در آن صحیفه‌ها می‌باشد بسیار جازز اهمیت است، یا به دلیل مساهمت^۱ در اقامت حجت بر آن کس که به آنها اعتقاد دارد، یا - و این شاید مهمترین باشد - مساهمت آن در تصحیح آنچه در ذهنیت منکر دعوت قائم با اعتماد بر آنچه دارد، می‌باشد. پس او وقتی که می‌بیند آن صحیفه‌ها برخلاف معتقدی که دارد سخن می‌گوید و کاملاً با آنچه قائم در دعوتش مطرح می‌سازد، سازگار است، سعی در تغییر موضع خود در برابر این دعوت می‌کند، که چگونه می‌توان او از مخالفت خود با پیامبران خدا (آدم و نوح و ابراهیم(ع)) خوشحال باشد.

اما: به چه شکل منتظر رسیدن آن صحیفه‌ها خواهیم شد، درحالی که عهد تدوین و نگاشتن همان طور که علمای تاریخ و باستان شناسان می‌گویند، بیش از نیمه‌ی دهی چهارم قبل از میلاد تقریباً آغاز نشده بود.

کشف سرنخ‌هایی از این مجهول در نظر ما به دو عنصر مهم نیاز دارد؛ اول: یافتن همان صحیفه‌ها. دوم: دسترسی به یک معلّم حقیقی و حکیم و آگاه به آن‌ها.

۱- مساهمت به معنی سهیم بودن و مسامحه به معنای سهل انگاری و ساده گرفتن است. به نظر می‌رسد واژه‌ی دوم در اینجا کاربرد بیشتری داشته باشد. - ناشر

و با تأکید، عنصر دوم نیازی فوری است که به این شکل این نیاز روشن می‌شود، اگر نقشه‌های مهندسی پیچیده‌ای که مهندسانی زبردست و ماهر و با تجربه، آن را کشیدند، و مقدر شد به دست بچه یا جاهل بیفتند، سپس فرصت اعمال آنچه در آن است به او داده شد؛ نتیجه چه خواهد بود؟ دقیقاً همان نتیجه‌ای خواهد بود که صحیفه‌های الهی در دست شخصی واقع می‌شوند و نسبت به آن‌ها ناآگاه است.

و در مورد آنچه مربوط به عنصر اول است، سؤال می‌شود: در کجا می‌توانیم به این متن‌ها دست پیدا کنیم؟

گمان نمی‌کنم که محقق باستان شناسی یا مذهبی جایی جز سرزمین سومریان و اکدی‌ان به ذهنش برسد، و آن به این دلیل است که نوح و ابراهیم (نوادگان آدم و شیث) از آن‌ها هستند، همانطور که تاریخ انسانی در مورد تمدنی که از سومریان پیش‌تر بوده سخن نگفته است، تا آن صحیفه‌ها را در آن سرزمین‌ها جستجو کنیم.

و با دانستن این، پی می‌بریم که آن معلم آگاه و حکیم (که او عنصر دوم برای کشف حقیقت است) نیز باید سومری باشد، پس این وجه صحیح می‌باشد که با وجود آن می‌توان به تمبره‌هایی دست یافت، و بدون آن، حال ما با آن شخصی که آهنی را در صحرا کاشته و منتظر رشد و خوردن انگور از آن می‌باشد، چندان تفاوتی ندارد.

اما چرا؟ زیرا آن‌ها متن‌هایی می‌باشند - اگر یافت شدند - که حاکی زبان قومی هستند که سال‌ها است که به‌سر آمد، و آیا شما

در این روز مانند دیروز نزدیک می‌باشید، پس چه به حال دیروز دور و بعید!!! این از یک جهت.

و اما از جهتی دیگر، آنها متن‌هایی دینی می‌باشند که آن‌ها معمولاً رازدار هستند به اعتبار اینکه رازهای غیب و ملکوت حقائق الهی را کشف می‌کنند، چند بار در مورد «سَبَّحَ بَقَرَاتِ سَمَانٍ» (هفت گاو فریه) شنیدیم، و در ذهن کدام یک از ما این مسئله راه پیدا نکرد که منظور همان هفت چهارپا از گاوهای فریه است، (بلکه شاید به ذهن ما گاو استرالیایی بیشتر نزدیک بود، به خصوص اینکه آنها این صفت را با شباهت و نزدیکی بسیار محقق می‌سازند)، اما چه کسی به غیر از یوسف پیامبر(ص) می‌داند که آنها هفت سال می‌باشند و به تأسیس اقتصاد کشوری کامل مانند مصر در زمانش پرداخت!!! و قصه‌ی صحیفه‌ها در جستجوی مثلاً آن‌ها، دقیقاً مانند همان می‌باشد.

و از جهت سوم، اینکه متن‌های دینی در نظر انسان متدین در سرشتش مهم می‌باشند، و درگیری حق و باطل هر روز در دنیای امتحان به سختی منتهی می‌شوند، لذا معمولاً پیروان باطل باری به تحریف و بازی در آن به طور عمد می‌پردازند، یا باری دیگر آنها را به کسانی که اهل آن نمی‌باشند وا می‌گذارند، و در نتیجه این اکیداً بر غالب کردن حقیقت و ایجاد اضطراب می‌انجامد؛ و چه کسی می‌تواند از صحنه‌ها، تحریف شده‌ها را کشف کند و روشنی و وضوح آن تصویر را بازگرداند، به غیر از معلّم ربّانی و حکیم؟!۱

در مورد متن‌های تمامی صحیفه‌ها و کتب الهی افسانه گفته شد، علی‌رغم نزدیکی آن‌ها به تاریخ انسان قرن بیست و یکم، بنابراین به نظر شما سهم آن صحیفه‌ها از وصف چه خواهد بود؟! در سه ماهه‌ی اول از قرن گذشته عملیات کنده‌کاری و پژوهش از طرف باستان شناسان در جنوب عراق، سرزمین ما بین النهرین (سومر و اکد) و اطراف آن افزایش یافت، و کشف تعدادی از الواح گلین سومری افزایش پیدا کرد، و این مژده‌ای است، برای کسی که با ما در این بحث و جستجو از صحیفه‌های آدم و نوح و ابراهیم همسفر است، و شاید بعضی از آنها در میان آن آثار کشف شده باشند؟! و قبل از آن در چند دهه و دقیقاً سال (۱۸۵۳ م.) برای اولین بار متن حماسه‌های گیلگمش مشهور را کشف کردند، مروارید تاج تمدن سرزمین ما بین النهرین (دجله و فرات) همان طور که می‌گویند؛ و آن حماسه‌ای سومری است که با خط میخی بر دروازه‌ی کتیبه‌ی گلی در کتابخانه‌ای شخصی که مربوط به پادشاه بابلی آشور پانیپال در عراق می‌باشد، نگاشته شده است.

در مورد آن گفته شد: افسانه، و به دلیل اینکه ملل حماسه‌ها از قدیم الایام انکار نشده و هنوز انکار نمی‌شوند، بعضی از آنها ضرورت افسانه‌ها در زندگی انسان کهن و جدید را با همدیگر تصور کردند. و در مورد آن گفته شد: آن قدیمی‌ترین قصه‌ای است که انسان آن را به رشته‌ی تحریر درآورد، و بعضی از عراقی‌ها بر دیگران مفتخرند که صاحب قدیمی‌ترین قصه در تاریخ انسان هستند! و در مورد آن گفته

شد: آن کاری و آثاری ادبیاتی است که برای هنرمندان و نویسندگان الهام بخش است... الخ.

و اینگونه این متن سومری در بهترین احوالش برای شناخت تاریخ تمدن سرزمین ما بین النهرین و روش اندیشه‌ی انسان کهن باقی ماند. و اگر حال با مروارید متن‌های سومری همانگونه که شنیدیم، باشد، پس نظر به آنچه از کتیبه‌های سومری دیگر که کشف شدند، چه چیزی می‌تواند باشند؟!

این نظرهای اغلب باستان شناسان و مذهبی‌ها نیز در مورد کتیبه‌ها یا لوح‌های گلین کشف شده در سرزمین پیامبران آدم و نوح و ابراهیم (عراق) می‌باشند، و آن نه فقط غم و اندوه حاصل از عدم به دست آوردن و یافتن میراث پیامبران (صحیفه‌ها) است، و نه فقط نسبت دادن و گناه بستن به تمامی آن امت با تصور اینکه آن امت اسیر افسانه‌ها و خرافات و نه بیشتر، می‌باشد (درعین حال با اعتراف به اینکه آن امت صاحب کهن‌ترین تمدن است، و نگاشتن و کشاورزی و ساخت ارابه‌ها و قانونگذاری و هندسه و جبر و... را به دیگران آموزش داد). و به این بسنده نشد، بلکه این نگاه نامنصفانه به متن‌های سومری باعث شد که به ادیان بعدی (یهود و مسیحیان و اسلام) تنها با چشم خرافات و افسانه‌ها نظر شود.

با این حال، معلّم و حکیمی سومری (از جنوب عراق) با سخنی نیک و طیب فرمودند: «... قصه‌های سومریان جز خبرهای غیبی که آدم با آنها به زمین آمد چیز دیگری نیستند و آنها قصه‌های نیکوکاران از فرزندان آدم(ع) و آنچه به آنها می‌گذرد، می‌باشند؛ و

خصوصاً آنهایی که علامات مهم در راه دین دُموزی (پسر نیکوکار) یا گیلگمش را تشکیل می‌دهند، هستند».

بله، وجود تحریف و تغییر در بعضی از آنها بدان معنا نیست که حکم افسانه بر همه‌ی آنها صادر شود.

سپس می‌گوییم: اگر برای شاگردی آموزش بین دستان گیلگمش سومری مقدر شد و امروز بین ما حاضر شد تا شرحی بر بعضی از واژگان حماسی و اهداف را تقدیم کند، گمان نمی‌کنم که منصفی در این جهان باشد که به جهت احترام گوش فرا ندهد و یا اینکه اگر کسی بخواهد او را از گوش فرا دادن بازدارد، حرص نورزد.

بنابراین این‌ها (گلچینی از چشم‌اندازهایی از سرزمین سومریان و اکدی‌ان) می‌باشد، و در بعضی جاها توضیحاتی جهت بهره‌مندی بیشتر گذاشتم، والحمدلله رب العالمین.

۲۴ / صفر / ۱۴۳۴ هـ.ق.

۱۸ / دی ماه / ۱۳۹۱ هـ.ش.